

تبعیض دولت
بین یقه سفیدان و کارگران

فرامرز توفیقی، رئیس کمیته دستمزد
کانون عالی شوراهای کار



زمانی که دولت بخشنامه اولیه لایحه بودجه را تنظیم کرد، به صراحت اعلام شد که موضوع افزایش

۱۰ درصدی حقوق کارمندان فقط یک رقم پیشنهادی است و هدف کم کردن هزینه های دولت است، بنابراین این رقم محلی از اعراب ندارد و نباید یاد در مورد آن نگرانی داشت. اما مساله مهم، فاصله بزرگ و معنادار حقوق به اضافه مجموع مزایای کارمندان دولت با دستمزد کارگران به خصوص حداقل بگیران است. شاید دولت فعلی قصد دارد این فاصله را تا حدی کاهش دهد تا تبعیض نااندره ای کم شود. اگر تبعیض کاسته شود، چندان بد نیست اما دولت عزم جدی کرده تا بدنه خود را کوچک کند که این امر اجتناب ناپذیر است و باید اتفاق بیفتد. یکی از مشکلات دولت، همین حقوق کارمندان آن است به خصوص آنهایی که حقوق نجومی دارند. یکی از معضلات کسر بودجه حقوق بی حساب و کتاب کارمندان دولت به خصوص یقه سفیدان است که موجب چاپ اسکناس بدون پشتوانه می شود. یادمان باشد حقوق ما کارگران هیچ زمان موجب چاپ اسکناس بدون پشتوانه نشده اما دولت برای تامین بودجه مورد نیاز بابت پرداخت حقوق های آن چنانی دستگاه زیرمجموعه خود، مجبور است اسکناس چاپ کند. آنچه از آر دهنده است، حقوق های بسیار بالای رده های بالا در بدنه دولت است. کارگران آنچه می گیرند، فقط حق الاسعی است که بخشی از ارزش افزوده کارگاه ها است. در واقع این کارگران هستند که باعث ایجاد تولید ناخالص ملی می شوند و دستمزد آنها بخشی از همین ارزش اضافی تولید است، بنابراین بین دستمزد کارگران و کارمندان و میزان تاثیر گذاری آنها بر نرخ تورم و اقتصاد، فرق بسیار است. همچنین نه دولت و نه مجلس، نمی توانند برای دستمزد کارگران تصمیم بگیرند چرا که دستمزد کارگران تنها در شورای عالی کار تعیین می شود و چانه زنی مزدی در این نهاد به هیچ وجه قابل حذف نیست. این چانه زنی، مبتنی بر نرخ تورم کلی و اعداد سید معیشت است و نمایندگان کارگران با اتکا به این مولفه ها با شر کای اجتماعی به بحث می نشینند.

اما ما فاقد ابزار مناسب برای چانه زنی موثر و موفق هستیم. اول از همه اینکه سندیکاها و تشکل های صنفی قدرتمند، سراسری، مستقل و دموکراتیک نداریم. این مساله مهم ترین عامل کاستی گرفتن قدرت چانه زنی مزدی کارگران است. دومین نقیصه، به ضعف های آماری بازمی گردد. ما مارک دقیق از هزینه های تمام شده کالاها و خدمات، براساس نوع بنگاه و ابعاد آن نداریم. داشتن این آمارها نیاز به تحقیقات زیرساختی دارد و اگر در کشورهای دیگر، سندیکاها یا هر صنف با کارفرمایان آن صنف، به چانه زنی می پردازند، به خاطر این است که آنجا این نقایص وجود ندارد. در آن کشورها، هم از حق تشکل بهره مند هستند و مقاله نامه های بنیادین ۸۷ و ۹۸ لازم الاجراست و هم زیرساخت ها فراهم است و داده های متفن دارند. مثلاً اگر سندیکای نیروهای خدماتی رستوران ها با کارفرمایان سر میز می نشینند، دقیق می دانند هزینه واقعی کارفرمایان چقدر است، سهم دستمزد چه میزان است و البته می دانند بدنه قدرتمند و متشکلی پشت سر دارند که به اعضای سندیکا، اعتبار و شهامت برای کوتاه نیامدن می دهد اما متأسفانه هیچ کدام از این مولفه های زیرساختی را نداریم. لذا باید پیش شرط های تفکر صنفی و سندیکایی به همراه داده های آماری مستدل و مستند، در سطح کلان فراهم شود تا بتوان بر سر دستمزد هر صنف، با نمایندگان کارفرما چانه زنی کرد و تا زمانی که این شرایط برقرار نباشد، نمی توان توقع چانه زنی قدرتمند و موثر داشت، هر چند حداقل دستمزد ثابت نیز قابل حذف نیست.

در پایان باید گفت تورم رسمی یا تورم ملموس در زندگی کارگران تفاوت دارد. نمی توان قیمت ساسانه «بازار گام»، که برنج دولتی آن با هزار دشواری و به میزان محدود عرضه می شود را مبنای قرار دهیم و ادعا کنیم تورم برنج فلان درصد است یا قیمت ثابت مانده است. آنچه باید ملاک تورم واقعی قرار بگیرد، نرخ است که همه جای کشور برای همگان در دسترس است. این روند، که مصداق روشن عددسازی است، موجب اعتمادزایی در جامعه می شود.

در وینار «دستمزد کارگری؛ رویکردها و چالش ها» مطرح شد؛

با انبوهی از شاغلان فقیر مواجهیم



می شود. امروز در بسیاری از کشورها کار، ظرفیت تعیین دستمزد بر اساس مناطق و صنایع مختلف دیده شده اما طبق همین ماده ۴۱ حداقل دستمزد باید براساس تورم و سبد معیشت تعیین شود؛ موضوعی که در حال حاضر اتفاق نیفتاده است. در حال حاضر حداقل دستمزد در دورافتاده ترین مناطق نیز حداکثر ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه های یک خانوار را تامین می کند، پس فاصله ما برای رسیدن به حداقل های قانونی حتی در کوچکترین شهرها و روستاها بسیار است.

وی گفت: مطرح شدن مباحثی مثل اجرای شدن مزد منطقه ای و مزد توافقی برای این است که مذاکرات دستمزدی انتهای سال را تحت تاثیر قرار بدهند. در شش سال گذشته همواره در ماه های پایانی سسال این مسائل مطرح شده است. قطعاً در حال حاضر ما با مزد منطقه ای مخالفت می کنیم چرا که فاصله کارگران ایرانی با حداقل های قانونی بسیار است. ما می توانیم روی فراتر از حداقل دستمزد مذاکره کنیم اما برای پایین تر از حداقل دستمزد وارد مذاکره نمی شویم.

شاهد افزایش شاغلان فقیر
در کشور هستیم

خدایی در ادامه تاکید کرد: چنین تصمیماتی تبعات بسیاری دارد. یکی از مهم ترین مشکلات ما این است که نگاه ما به دستمزد صرفاً اقتصادی است در حالی که ما باید تمام جنبه ها را در نظر بگیریم. ابعاد سیاسی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد نیز اهمیت بسیاری دارند که متأسفانه نادیده گرفته می شود. وی گفت: مدعیان این قبیل طرح ها مثلاً دنبال توسعه مناطق محروم

از اقتصاددان ها به خلق نقدینگی مازاد اشاره می کنند. آنها می گویند به دلیل کمبود بودجه، دولت برای بالا بردن دستمزدها ناچار به چاپ پول می شود و این تزریق نقدینگی منجر به تورم خواهد شد. سوال این است که آیا دلیل این نقدینگی صرفاً پرداخت دستمزد است و پول بدون پشتوانه صرفاً برای پرداخت دستمزد استفاده می شود؟ وقتی اقتصاد یک مملکت دچار مشکل است، تمام اضلاع آن نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار تاکید کرد: در مورد دستمزد بزرگ نمایی می شود. از نظر مایسین فرضیه ها رد است و نباید به دستمزد صرفاً نگاه اقتصادی داشت.

وی بیان کرد: این سطح از دستمزد در واقع باعث کاهش قدرت خرید نیمی از اعضای جامعه شده و این ما را به سمت رکود تورمی می کشاند؛ وضعیتی که تولیدکننده برای تولیدات خود مشتری ندارد و چون امکان صادرات هم ندارد، در نتیجه ضربه می خورد. بنابراین توجه به دستمزد می تواند محرکی برای خروج بازار از رکود باشد.

خدایی درباره تعیین حداقل دستمزد در کشورهای مختلف گفت: طبق مقاله نامه شماره ۲۶ سازمان بین المللی کار، کشورهای عضو این سازمان مکلف به تعیین حداقل مزد هستند اما سازو کار تعیین حداقل مزد متفاوت است. پر تکرار ترین آیتمی که برای تعیین حداقل دستمزد استفاده می شود، اول تامین نیازهای خانوارهای مزدبگیر و دوم سطح عمومی قیمت ها و دستمزدها است. وی درباره اجرای سازو کار مزد توافقی به جای حداقل دستمزد گفت: وقتی سازو کار حداقل دستمزد نداشته باشیم، باید دستمزد را به توافق بین کارگر و کارفرما و گذار کنیم اما باید توجه کنیم که چون سازو کارهایی برای احقاق حقوق کارگران در ایران وجود ندارد در نتیجه توافق بر سر حقوق منجر به تضییع حقوق کارگران

وینار «دستمزد کارگری؛ رویکردها و چالش ها» به همت موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی و با حضور «علی خدایی»، نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار و «مرتضی افقه»، استاد دانشگاه و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران برگزار شد.

در ابتدای این نشست خدایی در پاسخ به این پرسش که آیا مارپیچ دستمزد و تورم در اقتصاد ایران وجود دارد یا خیر، گفت: در اقتصاد فعلی ایران و حداقل در دهه های اخیر، چیزی به نام مارپیچ دستمزد و تورم نداشتیم و بزرگ نمایی هایی تعمدی در به کار بردن این قبیل نظریه های می بود. وی ادامه داد: اگر بخواهیم به صورت کلی به موضوع تاثیر دستمزد بر نرخ تورم نگاه کنیم، طبیعی است که دستمزد می تواند در دو حالت باعث افزایش تورم شود: اول تاثیر مستقیمی که افزایش دستمزد بر افزایش قیمت نهایی کالاها و خدمات می گذارد و دوم تاثیر روانی ای که بر ایجاد تورم کاذب می گذارد. خدایی بیان کرد: اما در دوره نمی توان این ارتباط را قبول کرد. سهم دستمزد در قیمت تمام شده کالاها و خدمات در اوایل دهه ۸۰ حدود ۱۷ درصد بوده و در پایان سال ۹۳ این عدد به زیر ۸ درصد سقوط کرده و در حال حاضر این عدد زیر ۵ درصد قیمت تمام شده کالاهاست. بنابراین اگر بخواهیم تاثیر مستقیم افزایش دستمزد را در نظر بگیریم باید به اندازه سهم آن در نظر بگیریم.

وی افزود: در مورد تاثیر روانی دستمزد بر نرخ تورم نیز با توجه به ثبات نسبی که در اوایل دهه ۸۰ در اقتصاد وجود داشت، می توانستیم بگوییم دستمزد تا حدودی بار روانی ایجاد می کرد و باعث افزایش نرخ تورم می شد اما در طی سالیان اخیر دستمزد کمترین تاثیر را در افزایش بار روانی داشته است.

افزایش دستمزدها برای جبران
بخشی از رکود اقتصادی

خدایی بیان کرد: امروزه یک سری

خدایی اظهار کرد: سال هاست مدعی می شوند که کارفرما توان پرداخت حداقل دستمزد را ندارد اما مطالعات ما چیزی دیگری می گوید. کارفرمایان مأمولاً با مواد اولیه ارزان کار می کنند. دانش و صنعت خاصی برای کارشان نیاز ندارد و دو قسمت عمده ارزش افزوده ای آنها ناشی از کار کارگر است، بنابراین کارفرما نباید توقع داشته باشد معادل ۵۰ درصد سود را ببرد در حالی که سهم دستمزد کارگر ۱۵ درصد باشد. کارفرما باید به اندازه آورده خودش سود ببرد. اکثر کارفرماهای ماتوان پرداخت حداقل را دارند.

در نظام ارزشی تصمیم گیران، معیشت مردم در اولویت نیست
در ادامه این نشست، افقه با انتقاد از اقتصاددان هایی که به دنبال تجویز تمام و کمال تئوری های اقتصادی تعدیلی به ساختار اقتصادی کشور هستند، گفت: این نوع تفکر متأسفانه تبعات بسیاری در کشور داشته است. در حوزه علوم انسانی مفروضات متفاوت هستند در نتیجه تئوری ها هم قابل تجویز به همه جانیستند. این استاد دانشگاه درباره ادعای تاثیر دستمزد بر افزایش نرخ تورم گفت: شرایط اقتصادی کشور به گونه ای است که اغلب بنگاه ها دچار رکود هستند و باید تقاضای موثر تحریک شود. ما در مورد طبقه متوسط روبه پایین صحبت می کنیم که متقاضیان اصلی کالاهای داخلی هستند. کاهش دستمزد اینها همان طور که آقای خدایی گفتند باعث رکود تورمی می شود.

افقه تاکید کرد: برخی می گویند افزایش نقدینگی باعث افزایش تورم شده است. آنها می گویند ریشه تورم در ایران کسری بودجه است اما نمی گویند چه چیز باعث این کسری بوده شده است. دوستان روی معلول ها دست می گذارند و نه روی علت ها. این کسری بودجه به دلیل وجود انبوه ردیف های هزینه ای است که هیچ کمکی به تولید و اقتصاد نمی کند. تعریف ردیف های هزینه ای در بودجه که کمکی به تولید ملی نمی کند، باعث افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش نرخ تورم شده است. این استاد دانشگاه تاکید کرد: معتقدم افزایش دستمزد می تواند بخشی از رکود موجود در کشور را جبران کند. ریشه تورم جای دیگری است. افزایش نرخ تورم در ایران ناشی از بی کفایتی ها و ناکارآمدی های ساختاری است و هزینه این وضعیت را مردم به خصوص مزدبگیران به دوش می کشند.

وی تصریح کرد: در کشورهای اروپای غربی در کنار حداقل دستمزد، کمک های دیگری از جانب دولت به مردم می شود بنابراین ضربه جینی این کشورها رقم متعادل است و توزیع درآمد را آنجا بالاست. افقه گفت: حتی اگر افزایش دستمزد باعث ایجاد فشار به بخش خصوصی می شود راه حل این نیست

خدایی: اتفاقی که طی یک
دهه اخیر در کشور ما افتاده
این است که ما با انبوهی
از شاغلان فقیر مواجه
شده ایم در حالی که فرد
شاغل باید بتواند حداقل
از پس هزینه های اساسی
زندگی خود بر بیاید

که حداقل حقوق را افزایش ندهیم بلکه باید دولت با کمک به بخش خصوصی بخشی از بار از روی دوش آنها بردارد. این استاد دانشگاه در بخش دیگری از صحبت هایش در باره منطقه ای شدن مزد گفت: سیاست های بعد از جنگ به شدت ضد آمایشی بوده و باعث مهاجرات از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و از روستا به شهر شده است.

وی ادامه داد: افزایش دستمزد در شهرهای بزرگ نسبت به روستاها یا شهرهای کوچک در واقع مشوقی خواهد بود به مهاجرت به شهرهای بزرگ. در نتیجه حتی اگر بخواهیم مزد را منطقه ای کنیم برای اینکه جلوی این مهاجرت گسترده را بگیریم باید مزد را در روستاها و شهرهای کوچک افزایش بدهیم و نه برعکس. در واقع با افزایش دستمزد در مناطق محروم می توانیم به جبران کمبودهای مناطق محروم کمک کنیم.

افقه بیان کرد: متأسفانه طرح هایی که در مورد منطقه ای شدن مزد یا توافقی شدن مزد توسط نماینده ها داده می شود به این دلیل است که آنها تخصص لازم را ندارند و صحبت اقتصاددان هایی را معیار قرار می دهند که صرفاً با اجرای تئوری های اقتصادی می خواهند مشکلات را حل کنند. در صورتی که این تئوری ها رانمی توان عیناً در یک کشور پیاده کرد و هر کشوری ملزومات و شرایط خاص خود را دارد. این اقتصاددان بیان کرد: ریشه بسیاری از مشکلات ما این است که در نظام ارزشی تصمیم گیران، معیشت و نه حتی رفاه مردم، جزو اولویت ها نیست و همین نظام ارزشی ساختاری ایجاد کرده و جهت گیری این ساختار به سمتی است که خیلی به موضوع معیشت مردم کاری ندارد. حاصل این وضعیت مملکتی است که حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد مردم آن زیر خط فقر هستند. وی در پایان گفت: بخش قابل توجهی از ثروت مردم به دست عده خاصی افتاده و چون نمی توانیم از آنها این ثروت را بگیریم روی حداقل دستمزد گروه های ضعیف جامعه چانه زنی می کنیم.



پرداخت ۵۰ درصد حق بیمه تکمیلی بازنشستگان توسط تأمین اجتماعی

آینده اعتبار دارد، شاهد افزایش سقف تعهدات بیمه ای به میزان قابل ملاحظه ای به ویژه در بخش های خدمات فوق تخصصی، تخصصی، بستری های عمومی، خدمات پاراکلینیکی و... هستیم و این تغییرات امیدواریم، ضایع مندی بازنشستگان را بیش از پیش به دنبال داشته باشد. رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیران تأمین اجتماعی گفت: در فضای سازنده و تعاملی که با سازمان تأمین اجتماعی به وجود آمده، مهمترین امور و مطالبات خود را با استفاده از همه ظرفیت ها، خردمندانه پیگیری می کنیم. معتقد هستیم در حوزه درمان باید به سمتی پیش برویم که مشکلات و دغدغه های مستمری بگیران را کاملاً رفع کنیم. تکالیف قانونی موجود ما و همه مسؤولان امر را ملزم به آن کرده و نباید از هیچ تلاشی در این خصوص فروگذار کنیم.

رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تأمین اجتماعی گفت: در اجرای قرار داد جدید بیمه تکمیلی در مان بازنشستگان پرداخت ۵۰ درصد از مبلغ حق بیمه توسط سازمان تأمین اجتماعی قطعی شد. علی اصغر بیات در گفت و گو با مهر گفت: خوشبختانه مصوبه هیأت مدیره سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر تقبل ۵۰ درصد از مبلغ بیمه تکمیلی ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ با شرکت بیمه گر صادر شد. بر اساس این مصوبه که به زودی به حوزه های مربوط جهت اجرا ابلاغ می شود، مبلغ ۴۵۵۰۰ تومان از ۹۱ هزار تومان هزینه بیمه تکمیلی مستمری بگیران و افراد تحت تکفل آنها توسط سازمان پرداخت می شود. بیات افزود: در قرار داد جدید بیمه تکمیلی که از آبان ماه سال جاری تا آبان سال